

سنخ‌شناسی انواع سبک زندگی در بین خانواده‌های ایثارگران^۱

احمد غیاثوند*، سید مستجاد حسینی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۷/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۹/۲

چکیده

سرعت شگفت‌انگیز تحولات اجتماعی و سیاسی در دوران معاصر، موجب تغییرات مداومی در شیوه‌های زندگی مردم شده است. پژوهش حاضر با هدف بررسی وضعیت سنخ‌های مختلف سبک زندگی در بین خانواده‌های ایثارگران سراسر کشور صورت گرفته است. این مطالعه به روش پیمایش و جمعیت آماری آن را کلیه خانواده‌های ایثارگران در سال ۱۳۹۸ تشکیل می‌دهند. حجم نمونه برابر با ۱۲۳۹ نفر و از طریق شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای داده‌های لازم از چهار استان تهران، خراسان رضوی، لرستان و خوزستان جمع‌آوری گردید. نتایج حاصل نشان می‌دهد که در بین چهار سنخ سبک زندگی مورد مطالعه، وضعیت سبک زندگی به ترتیب اسلامی (برابر با میانگین ۶۵)، ایرانی (برابر با میانگین ۶۲)، مدرن (برابر با میانگین ۴۴) و نامتعارف (برابر با میانگین ۲۴) می‌باشند؛ عبارتی می‌توان چنین اذعان داشت که در بین خانواده‌های ایثارگر کل کشور، رعایت سنخ سبک زندگی اسلامی بیشتر از سایر سبک‌های زندگی است. طبق بررسی صورت گرفته، سبک زندگی اسلامی در بین ایثارگران، بیشترین رابطه همبستگی را با سبک زندگی ایرانی و کمترین همبستگی را با سبک زندگی مدرن دارد؛ همچنین سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی نامتعارف رابطه منفی و قوی دارد. همچنین انواع سبک زندگی برحسب ویژگی‌های مختلف ایثارگری متفاوت می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: خانواده ایثارگر، سنخ سبک زندگی، الگوهای سبک زندگی، سبک زندگی اسلامی.

۱- این مقاله استخراج شده از پژوهشی با عنوان «تحلیل وضعیت سبک زندگی ایثارگران با معیارهای اسلامی و ایرانی» می‌باشد که با حمایت مرکز تحقیقات مهندسی و علوم پزشکی جانبازان انجام گرفته است.
* دانشیار گروه جامعه‌شناسی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران، (نویسنده مسئول).

ah.ghyasvand@gmail.com

** دکتری رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی - مرکز تحقیقات مهندسی و علوم پزشکی جانبازان، تهران، ایران.
mostajad@gmail.com

طرح مسئله

امروزه در ایران پدیده‌هایی چون شهرنشینی گسترده، جهانی‌شدن، افزایش روزافزون رسانه‌های جمعی، گسترش استفاده از شبکه‌های اجتماعی گوناگون و متنوع همگی زمینه را برای تغییرات اجتماعی و فرهنگی فراهم آورده و به تبع آن تغییر در سبک‌های زندگی افراد فراهم نموده است. بنابراین گسترش مدرنیته و قرار گرفتن در فضای صلح، تغییرات بسیاری در زندگی، احساس، تفکر، شیوه زندگی و فرهنگ انسان‌ها به وجود آورده است. بنابراین توجه به موضوع سبک زندگی در جامعه ایرانی به سالیان اخیر بازمی‌گردد. دلیل این توجه، سرعت شگفت‌انگیز تحولات اجتماعی و سیاسی در دوران معاصر و تغییرات مداوم در شیوه‌های عینی زندگی مردم است. در میان این تحولات رخداد انقلاب اسلامی و درگیری در ۸ سال جنگ تحمیلی، به همراه جهانی‌شدن از همه مهم‌تر بوده‌اند. بنابراین بی‌شک مواجهه فرهنگ و جامعه ایرانی با فرهنگ و نگرش غربی و مدرن، سبب تحول در سبک زندگی مردم ایران شده است. در واقع از آنجایی که در اندیشه‌های مادی، سبک زندگی در قالب مصرف‌گرایی، تشخیص و انتخاب و ... خود را نشان می‌دهد؛ می‌تواند بر پرتو نظام ارزشی و معنایی بدان نگریست. پس سبک زندگی علاوه بر تظاهر مادی، سویه‌های ارزشی مختلف را نیز دربرمی‌گیرد.

توجه روزافزون به مفهوم سبک زندگی، معلول اهمیت یافتن فرهنگ و انتقال مرکز ثقل جامعه جدید از تولید به مصرف و از اقتصاد به فرهنگ است. در این وضعیت که از قدرت تحلیل‌های مبتنی بر طبقات اجتماعی کاسته شده، مفهوم سبک زندگی، ابزار تحلیلی مناسبی برای سنخ‌شناسی و دسته‌بندی افراد جامعه به شمار می‌رود. با رشد و شکوفایی اقتصادی در آغاز دهه ۱۹۵۰، نگاه به سبک زندگی و مصرف نیز دگرگون شد و مصرف بیش از تولید اهمیت یافت (Manolis, 2001: 228). در واقع، فرهنگی که بر کار سخت و انباشت ثروت تأکید داشت، اینک پرچم‌دار مصرف، لذت و ابراز وجود بود (سیدمن، ۱۳۸۸: ۲۱۲). اهمیت و توجه به سبک زندگی و مصرف تا آنجا تداوم

یافت که امروزه «چگونه مصرف‌کننده بودن» از «چه جایگاهی داشتن» مهم‌تر است. به قول باکاک، «سبک زندگی و مصرف دیگر فقط یک روند اجتماعی - فرهنگی نیستند، بلکه به فرآیندی تبدیل‌شده‌اند که از خلال تأثیرات آنها در جوامع مختلف، می‌توان به برآمدن دوران و عصر نوینی در جهان پی برد (باکاک، ۱۳۸۱: ۳). البته، قبل از جنگ‌های جهانی اول و دوم نظریه‌پردازانی نظیر ویلن و زیمل به بحث درباره پدیده‌هایی نظیر مصرف متظاهرانه، تن‌آسایی و فراغت، مدگرایی و پیامدها و کارکردهای آنان پرداخته بودند، اما به علت تبعات ناشی از این جنگ‌ها، این بحث‌ها تا حدود زیادی به فراموشی سپرده شد. دلیل اصلی توجه دوباره به سبک زندگی افزایش تولید کالاهای تجملی، ظهور جامعه مصرفی و اهمیت یافتن فزاینده مصرف و تغییر در سبک‌های زندگی بود (باکاک، ۱۳۸۱: ۲).

در واقع مفهوم سبک زندگی را می‌توان در ارتباط با مدرنیته بررسی کرد. مدرنیته با امکانات خود از طریق خلق تنوع، فرد را با انتخاب‌های گوناگون و پیچیده مواجه می‌سازد؛ به‌علاوه در دنیای مدرن، سبک‌های زندگی متفاوتی وجود دارد که، سهم هر یک از افراد را در مناسبات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و ... برای رسیدن به اهداف موردنظر آنان، مشخص می‌کند. از این رو، همه افراد جامعه تلاش می‌کنند که سبکی از زندگی داشته باشند؛ تا در برخورداری از منافع فردی و جمعی در مبادلات اجتماعی عقب نمانند، زیرا کم و کیف سبک زندگی، میزان و نحوه تعاملات اجتماعی و نوع معانی کنشی که ردوبدل می‌شود، از اهمیت زیادی در بین زنان و مردان، به‌ویژه جوانان جامعه برخوردار است.

در ایران پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، با فشارهای داخلی و خارجی همراه بود. در این دوران، دیری نپائید که جنگ تحمیلی بعد از حدود ۲۰ ماه از پیروزی انقلاب به وقوع پیوست؛ اتمام جنگ و تغییر وضعیت حاکم بر جامعه، موجب گردید رویکرد «عقیدتی - حماسی» جنگ جای خود را به رویکرد «تاریخی - عقلانی» صلح بسپارد و به روشنگری ابعاد آن پرداخته شود (غیاثوند، ۱۳۸۶). بنابراین پیامدهای دوران

جنگ، خسارات و آسیب‌های وارده، توسعه و سازندگی جامعه با حضور نسل دوم انقلاب در صحنه اجتماعی، وضعیت جدیدی را به وجود آورد که کاملاً متفاوت با گذشته بود. از طرف دیگر این تغییرات نیز وضعیت سبک زندگی ایثارگران و خانواده‌های آنها را تحت تأثیر خود قرار داده و موجب شکل‌گیری این دغدغه مهم گردید که سبک زندگی ایثارگران جامعه به‌عنوان الگوی مرجع نظام و مردم تا چه حد با معیارهای اسلامی و ایرانی جامعه مطابق دارد. البته چنین برداشتی از سبک زندگی، بیشتر از نوع توصیفی و هنجاری است؛ که قابلیت مقایسه را در پس رویکردهای آرمانی گذشته یا مطلوب آینده جستجو می‌کنند.

این تغییرات در سبک زندگی افراد جامعه اسباب کنجکاوی و بعضاً نگرانی صاحب‌نظران و سیاست‌گذاران اجتماعی فرهنگی جامعه را فراهم آورده است. گرچه در این میان بعضی رویکردهای گذشته محور، معتقد به واکاوی وضعیت و تحولات سبک زندگی در کشور در دهه اخیر و شکاف آن با انتظارات دینی و هنجاری جامعه ایثارگری می‌باشد. از این رو، امروزه با شکل‌گیری انواع سبک‌های زندگی تحت تأثیر مصارف رسانه‌ای، فعالیت‌های فراغتی، سلايق و گرایش‌های فردی؛ پوشش و مدیریت بدن، فعالیت‌های اجتماعی، و... در پی جستجوی این پدیده هستیم که وضعیت سبک زندگی ایثارگران و خانواده‌هایشان، چقدر منطبق با الگوهای اسلامی، ایرانی و نیز مدرن بوده و به تعبیر بوردیویی سنخ‌های مختلف سبک‌های زندگی، چگونه و تا چه حد مبنای «تشخص» آنها قرار می‌گیرد.

نقد و نظر مرور تجربی

با توجه به تغییر و تحولات بسیار در دو دهه اخیر، در جامعه علمی ایران انجام پژوهش در حوزه سبک زندگی از دهه ۸۰ در قالب رساله‌های دانشگاهی (اباذری و چاوشان، ۱۳۸۱؛ سازگارا، ۱۳۸۲؛ فرجی و حمیدی، ۱۳۸۷؛ جانعلی زاده، ۱۳۸۸؛ خاتم،

۱۳۷۹؛ خواجه‌نوری و دیگران، ۱۳۹۰؛ شالچی، ۱۳۸۴) و نیز انتشار مقالات علمی محققان رونق گرفت. در ادامه گفتگوهای علمی نیز به تدریج در اوایل دهه ۹۰ بود که مسئولان اجرایی و سیاسی کشور، متخصصان حوزه دین در گفته و نوشته‌های خود از اصطلاح «سبک زندگی» سخن به میان آوردند؛ چرا که سبک زندگی، در کنار مفاهیمی چون شهروندی، کیفیت زندگی و ... از شاخص‌هایی می‌باشد که می‌توان تحولات هویتی انسان‌ها و فرهنگی جوامع را رصد نمود؛ و نیز بسیاری از واقعیت‌های اجتماعی از طریق این مفاهیم قابل تحلیل است.

در این خصوص بررسی «میری و همکاران» نشان داده است که از میان ۱۲۲۸ مقاله گردآوری شده در موضوع سبک زندگی از تارنمای Pubmed و ۳۷۸ مقاله گردآمده از تارنمای ISI، بیشترین تعداد مقالات مربوط به سال ۲۰۱۰ بوده است. بین همه مقالات منتشرشده در ایالات متحده و کشورهای خاورمیانه، اختلاف معنی‌داری وجود داشت، در بین کشورهای خاورمیانه، ترکیه و ایران بیشترین تعداد مقالات منتشرشده در این موضوع را به خود اختصاص داده بودند. علاوه بر این، مسیحیان و مسلمانان در فاصله سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۰۰ بیشترین تعداد مقالات منتشرشده را به خود اختصاص داده‌اند. بهداشت حرفه‌ای محیط‌زیست عمومی، بیشترین تعداد مقالات را در مقایسه با دیگر زمینه‌های مطالعاتی داراست (میری و همکاران، ۱۳۹۵). در این باره پژوهش دیگر توسط «سراج زاده و باقری» پیرامون موضوعات انجام‌شده درباره سبک زندگی نشان داد که ۱۳ پژوهش (۲۲ درصد) گونه‌شناسی سبک زندگی؛ بررسی رابطه بین سبک زندگی و سرمایه فرهنگی (۱۶/۹ درصد)؛ سبک زندگی و دینداری (۱۳/۶ درصد)؛ سبک زندگی و طبقه (۱۱/۹ درصد)؛ سبک زندگی و هویت (۱۰/۲ درصد)؛ سبک زندگی و مناسبات نسلی (۶/۸ درصد)؛ سبک زندگی و رسانه (۶/۸ درصد)؛ بررسی عوامل مؤثر بر سبک زندگی (۵/۱ درصد)؛ سایر موارد (۵/۱ درصد)؛ سبک زندگی و سرمایه اجتماعی (۳/۴ درصد) (سراج زاده و باقری، ۱۳۹۶: ۱۴۶).

در بحث از نقد و بررسی پژوهش‌های انجام‌شده، تحقیقات بسیاری در معنای کلی سبک زندگی و در مقابل تعداد محدودی در حوزه سبک زندگی اسلامی صورت گرفته که عمدتاً رویکردی نظری و توصیفی داشته و کمتر به صورت تجربی وضعیت سبک زندگی را در ابعاد مختلف سنجیده است. در یک مرور نظام‌مند می‌توان بیان داشت غلبه استفاده از روش کمی بر کیفی، موجب وجود شاخص‌های تکراری در بیشتر مطالعات گردیده است. همچنین از آنجا که مسئله مندی سبک زندگی با مدرن شدن جامعه رابطه‌ای همسو دارد، کمتر پژوهشی تاکنون توانسته در تمام ابعاد یک پژوهش، چون طرح مسئله، مفاهیم و نظریات، روش‌ها و یافته‌ها به صورت‌بندی خود منطبق با چارچوب‌های مسئله‌مندی سبک زندگی در جامعه ایرانی پردازد؟ (صمیم، ۱۳۹۳: ۱۴۷). این امر موجب شده سنخ‌های مختلف سبک زندگی در قالب مفهوم کلی سبک زندگی سنجیده شود که به نظر مبهم و نارسا می‌باشند. در نهایت اینکه آنچه گم‌شده این نوع مطالعات بوده، فهم سبک زندگی در قالب فرهنگ و هویت انسان ایرانی و مسلمان می‌باشد. بنابراین داشتن فهم جدید از سبک زندگی در عین نگاه آسیب‌شناسانه مبتنی بر تخیل جامعه‌شناسی در این مطالعه، تعبیری تجویزی از آن در قالب انواع و سنخ‌های سبک زندگی اسلامی، ایرانی و مدرن به‌عنوان فاصله بین آنچه هست و باید باشد، به‌طور مجزا موردسنجش قرار می‌گیرد.

چارچوب مفهومی سبک زندگی

سبک زندگی از آغاز قرن بیستم توجه اندیشمندان را جلب کرد، آن‌گاه که برخی صاحب‌نظران به این نتیجه رسیدند که ایده مارکس مبنی بر قشربندی جامعه بر اساس «طبقه» (مبتنی بر روابط اقتصادی)، قدرت توضیح کلیه تحولات اجتماعی و رفتارهای انسان‌ها را ندارد. پیدایش مفهوم «سبک زندگی» که علاوه بر طبقه اقتصادی، شاخص‌های دیگری را نیز شامل می‌شود، امکان برداشت‌های غیرمارکسیستی از

فعالیت‌های مردم را برای صاحب‌نظران فراهم می‌آورد. وبر «منزلت اجتماعی» را به‌عنوان شاخص قشربندی جامعه، جایگزین طبقه معرفی کرد که مبنای مطالعات بعدی، به‌خصوص از سوی جامعه‌شناسان، قرار گرفت. با این روال، به‌جای «تولید»، آن‌گونه که مارکس معتقد بود، «مصرف» مبنای شکل‌گیری هویت‌های اجتماعی محسوب می‌شد. در سال‌های بعد، صاحب‌نظران استقلال مفهوم سبک زندگی را از طبقه و روابط اقتصادی زیر سؤال بردند. در حال حاضر برخی از اندیشمندان معتقدند که «در وضعیت مدرن، سبک زندگی حداقل تا حدی از طبقه اقتصادی مستقل است» (اباذری و چاوشیان، ۱۳۸۱: ۵-۷؛ مهدوی کنی، ۱۳۸۷: ۱۵؛ Veal, 2006: 6؛ الفت و سالمی، ۱۳۹۱).

در ادبیات مربوط به سبک زندگی، این مفهوم پس‌ازآنکه ابتدا به ترتیب در آثار وبر، وبلن به کار رفت، از رونق افتاد و سال‌ها در جامعه‌شناسی مسکوت باقی ماند و در این سال‌ها بیشتر در پژوهش‌های بازار مورداستفاده قرار می‌گرفت. در سال‌های نخست دهه ۱۹۹۰ سبک زندگی با آثار نظریه‌پردازان اجتماعی و فرهنگی معاصر مانند بوردیو (۱۹۸۴)، فدرستون (۱۹۹۱)، شیلدز (۱۹۹۲)، رایمر چنی (۱۹۹۶) دوباره وارد مباحث جامعه‌شناسی شد. مطالعه پرآوازه بوردیو تحت عنوان تمایز (۱۹۸۴) با بسط دادن به اندیشه‌های وبر، زیمل و وبلن سبک زندگی را چونان بازتاب منزلت اجتماعی مفهوم‌پردازی می‌کند (Reimer, 1995). در این راستا، دست‌کم دو برداشت از سبک زندگی وجود دارد: در روایت نخست سبک زندگی معرف ثروت و موقعیت اجتماعی افراد و بیشتر شاخصی برای تعیین طبقه اجتماعی است. در روایت دوم، سبک زندگی شکل اجتماعی نوینی تلقی می‌شود که فقط در متن تغییرات فرهنگی مدرنیته و رشد فرهنگ مصرف‌گرایی معنا می‌یابد، و در معنای دوم است که سبک زندگی با مصرف و تمایز مرتبط است (رضایی و کاظمی، ۱۳۸۷: ۲).

«سبک زندگی» در ادبیات موجود علوم اجتماعی، مفهومی به نسبت جدید است؛ تا جایی که پدیدار شدن «سبک زندگی»، در شمار ویژگی‌های «جامعه مدرن متأخر»

شمرده شده است. به دلیل همین محتوای مشخص، از اصلی‌ترین نشانه‌های تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه غربی در چند دهه اخیر به شمار می‌رود. همچنین در سال‌های اخیر پژوهش‌های متعددی در موضوع سبک زندگی انجام شده است. مرور تعاریف مختلف در این خصوص عمدتاً روشن نبودن فضای مفهومی سبک زندگی در کنار تعریف مفهوم فرهنگ و هویت می‌باشد.

رابطه فرهنگ و سبک زندگی: وجه مشترک فرهنگ، خرده‌فرهنگ، مصرف و سبک زندگی، تولید و مصرف معنا و مهم‌ترین پیامد مشترک آنها، هویت‌یابی است (حسنی و دیگران، ۱۳۹۶: ۴۱). ویل گذار از مفهوم شیوه زندگی به سبک زندگی را از سویی نتیجه افزایش انتخاب‌ها و از سوی دیگر، نتیجه افزایش رفاه اجتماعی دانسته و سبک زندگی را "الگوهای متمایز رفتارهای فردی و اجتماعی که مشخص‌کننده یک فرد و یا یک گروه است" تعریف نموده است (Veal, 1993: 247).

فرهنگ، مجموعه منسجمی از ایده‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، نمادها و آداب‌ورسوم است که فرد به‌واسطه دریافت و تطبیق خود با آنها، امکان مشارکت در زندگی اجتماعی را می‌یابد، ولی سبک زندگی در مفهوم جدید آن، بیشتر محصولی از انسان فردیت یافته‌ای است که آن را می‌آفریند. (فاضل قانع، ۱۳۹۲). گیرتز در نگاهی مردم‌شناسانه، فرهنگ را شبکه‌ای از نمادها و معانی و تحلیل آنها می‌داند. (Geertz, 1973: 5) سبک زندگی و فرهنگ دو پدیده مجزا نیستند. سبک زندگی پدیده‌ای فردی است که برهم‌نهاد آن در جمعیت‌های انسانی، فرهنگ را می‌سازد. یعنی، فرهنگ برآیند سبک‌های زندگی است (موسی پور، ۱۳۹۲). الگوهای رایج در سبک زندگی یک گروه اجتماعی، متأثر و برخاسته از خواسته‌ها و ترجیح‌هایی است که خود از نظام معنایی تعریف‌شده در آن گروه اثر می‌پذیرد این نظام معنایی متأثر از فرهنگ جامعه است که به‌نوبه خود از منابع دینی، سرزمینی، تکنولوژی و نوآوری تأثیر می‌پذیرد. در واقع هر این منابع فرهنگی بخشی از تأمین‌کننده معنا و جهت‌گیری فرهنگی هستند که در سطح عاملیت در قالب سبک زندگی خود را نشان می‌دهد. ن دو

طیف جا می‌گیرد. همچنین اندرسون و جانسون (۱۹۹۸) در پژوهشی به مفهوم سازی سبک زندگی فرهنگی پرداخته و بر حسب میزان سرمایه فرهنگی، دو نوع از سبک زندگی فرهنگی مترقیانه و محافظه کارانه را تشخیص داده‌اند (Andersson & Jansson 1998).

از این رو، مصرف همپوشانی کاملی با سبک زندگی دارد و از این طریق با خرده فرهنگ ارتباط پیدا می‌کند. بنیاد فرهنگ، خرده فرهنگ، مصرف و سبک زندگی بر معنا استوار است. اساساً "فرهنگ با تولید و مبادله معنا میان اعضای یک گروه و یا جامعه سروکار دارد؛ تعلق دو انسان به فرهنگی واحد، بدان معناست که آنها جهان را به صورت نسبتاً "همسانی تفسیر می‌کنند و می‌توانند افکار و احساسات خودشان درباره جهان را به گونه‌ای بیان کنند که برای یکدیگر قابل فهم باشد. معنا در رابطه با همه لحظات یا اعمال متفاوت در هویت سازی و تمایز، تولید و مصرف و تنظیم سبک زندگی حضور دارد (Hall, 1976: 95). بنابراین تولید و مبادله معنا، طی فرایندی بسیار پویا از فرهنگ به مصرف و سبک زندگی و بالعکس در جریان است. معانی به مثابه رشته‌های زنجیر، فرهنگ، مصرف و سبک زندگی را به هم پیوند داده‌اند. با روشن شدن فضای مفهومی فرهنگ، خرده فرهنگ و سبک زندگی، می‌توان آنها را در یک پیوستار ترسیم نمود.

جدول ۱- طیف مفهومی مقوله‌های فرهنگی

سبک زندگی	خرده فرهنگ	فرهنگ
عینی (کنش محور)	ذهنی و عینی	اجباری
تنوع	همگونی و تنوع	همگونی
فرد	گروه	جامعه (ساختار)

رابطه هویت و سبک زندگی

هویت بر پایه نظر گیدنز عبارت است از؛ خود شخص، آن‌گونه که خودش تعریف می‌کند. به نظر او هویت انسان در کنش با دیگران ایجاد می‌شود و در جریان زندگی پیوسته تغییر می‌کند. هیچ‌کس هویت ثابتی ندارد. هویت، سیال و همواره در حال ایجاد شدن و تغییر است (گیدنز، ۱۳۷۸). گیدنز در توضیح مفاهیم فوق از مفهوم هویت بازاندیشی (reflexivity) و انتخابگر استفاده می‌کند. به نظر او، بازاندیشی ویژگی هرگونه کنش انسانی است و بازاندیشی در زندگی اجتماعی مدرن، دربرگیرنده این واقعیت است که عملکردهای اجتماعی پیوسته بازسنجی می‌شوند و در پرتو اطلاعات دوباره خود آنها اصلاح می‌شوند و بدین‌سان خصلت‌شان را به‌گونه‌ای اساسی دگرگون می‌سازند (گیدنز، ۱۳۷۸: ۴۷).

سبک زندگی نقش مهمی در خلق هویت فردی و جمعی دارد. توالی ایده‌ها از زیمل تا گیدنز و بقیه محققان، دال بر آن است که سبک زندگی‌ها قادرند مشخصه‌های هویتی و الگوی انتخاب‌های رفتاری افراد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۱۱۹-۱۲۹)، هویت‌های سیاسی (Roberts & Fagan, 1999: 5) جنبه‌هایی از حافظه تاریخی و نگرش افراد درباره مصرف در دنیای جدیدی را شکل دهند (باکاک، ۱۳۸۱). ویل از قول گلاسر نقل می‌کند که خلاً ناشی از فقدان دین در جوامع مدرن از طرف سبک‌های زندگی و قهرمانان پر می‌شود (Veal, 2006: 42) و سوئل بروز سبک‌های زندگی را پاسخی به بی‌هنجاری جهان و عرفی شدن فزاینده آن می‌داند (Sobel, 1981: 3) دوماتزیه سبک زندگی فرهنگی و شیوه گذران اوقات فراغت را بر شکل‌دهی به شخصیت افراد نیز مؤثر دانسته است (Koch-Wesser, 1991: 415). نکته بسیار درخور تأمل، نقش سبک زندگی در ایجاد مشروعیت اجتماعی است. به عقیده شیز، سبک زندگی‌ها قادرند از طریق ایجاد مشروعیت اجتماعی به ایجاد قدرت فرهنگی و نهایتاً به قدرت سیاسی و اجتماعی منجر شوند (Scheys, 1987: 250). از نظر بوردیو (۱۹۸۴)، سبک زندگی افراد است که هویت آنان را نشان می‌دهد (بوردیو، ۱۳۸۵: ۱۰۳)، زیرا زنان و مردان،

هرکدام بر اساس سبک زندگی‌شان، دارای ذائقه و منش خاصی هستند که آن‌ها را از یکدیگر منفک و متمایز می‌سازد. بر این اساس، می‌توان گفت که سبک زندگی، نشان‌دهنده هویت جنسیتی افراد است. زیرا در چنین شرایطی که سبک زندگی، به یک امر نمادین و اجتماعی تبدیل شده، خودش قادر است تبدیل به بیانی؛ برای هویت‌های فردی زنان و مردان شود. لذا آنان می‌توانند برای رساندن پیام هویتی خود از سبک زندگی استفاده کنند و از این طریق، بر دیگرانی که اطراف آن‌ها هستند تأثیر بگذارند.



شکل ۱- ارتباط فرهنگ، سبک زندگی و هویت

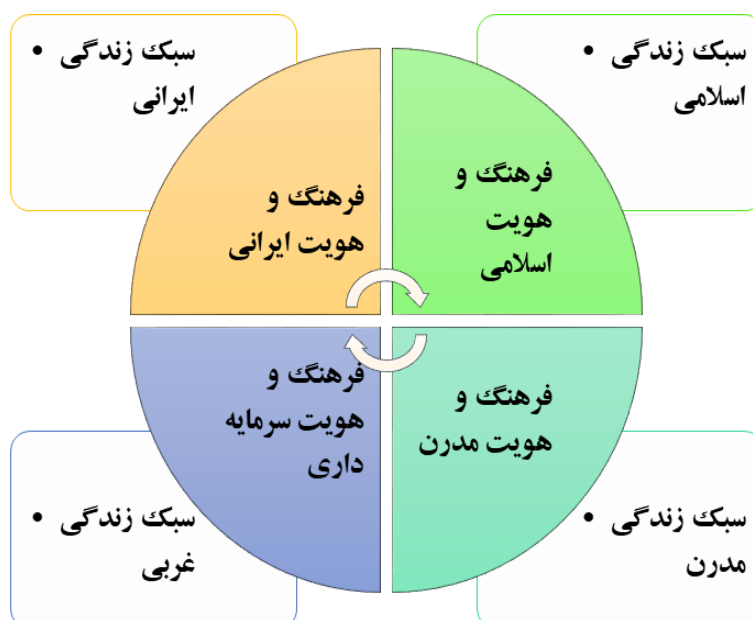
با عنایت به مباحث فوق پیرامون رابطه فرهنگ و هویت با سبک زندگی می‌توان بیان داشت که در جامعه ایران فرهنگ، همان ساختار اجتماعی است که در سطح کنش موجب هویت‌یابی فردی می‌شود. در این میان سبک زندگی به یک نوع هویت اجتماعی ختم می‌شود؛ به تعبیری سبک زندگی برای افراد شخصیت می‌سازد.

در مجموع با عنایت به در هم تنیدگی تاریخ اجتماعی در طول قرون مختلف می‌توان بیان نمود؛ تاریخ فرهنگ جامعه ایران را قبل از اسلام، در قالب سرزمین و فرهنگ ایران، بعد از اسلام در قالب فرهنگ اسلامی و در قرن جدید، در قالب عناصر مدرن مورد توجه قرار داد. بر این اساس می‌توان سه نوع از معانی فرهنگی با نظام‌های ارزشی

همسو یا ناهمسو را در جامعه ایران از یکدیگر تشخیص داد. در واقع در حال حاضر جامعه ایرانی بر پایه سه پایه فرهنگی ایرانی، اسلامی و مدرن شناخته می‌شود.

جدول ۲- سطوح مختلف فرهنگ، سبک زندگی و هویت

ساختار	فرهنگ دینی	فرهنگ ایرانی	فرهنگ مدرن
تلفیق عاملیت - ساختار	سبک زندگی دینی	سبک زندگی ایرانی	سبک زندگی مدرن
عاملیت	هویت دینی	هویت ایرانی	هویت مدرن



شکل ۲- ارتباط انواع فرهنگ، سبک زندگی و هویت

همان‌طور که مشاهده می‌گردد فرهنگ و هویت اسلامی، ایرانی و مدرن در ارتباط با هم، سبک زندگی را شکل می‌دهند، که در مقابل می‌توان سبک زندگی غربی (غرب‌زده) یا به تعبیری دقیق‌تر «نامتعارف» را بدان اضافه کرد. بر این اساس می‌توان حداقل در جامعه ایران چهار نوع سبک زندگی را از همدیگر متمایز نمود؛ به‌نحوی که

می‌توانند بیانگر سنخ‌های باشند که کمتر با همدیگر همپوشانی داشته یا نقطه مقابل همدیگر آنها را مفروض دانست. بر این اساس با توجه به پذیرش چهار سبک زندگی در جامعه ایران می‌تواند، رعایت رفتار، سلاقی و باورهای هر فرد را در هر یک از سطوح سبک زندگی و نیز برحسب الگوهای مختلف مورد بررسی قرار داد.

در بحث از سبک زندگی اسلامی، اولین مطالعه جامعه‌شناختی جدی درباره تأثیر دین بر سبک زندگی، پژوهش وبر درباره اخلاق پروتستانی و روح سرمایه‌داری است. چنانکه ماکس وبر، کالونیسم را توصیف می‌کند، می‌توان آن را یک سبک زندگی خواند؛ که در محدود کردن مصرف به‌واسطه ارزش‌های اخلاقی و دینی مؤثر بود (فاضلی، ۱۳۸۲: ۱۰۳). پس دین می‌تواند در ایجاد عادت‌واره‌ها، سلیقه و زیبایی‌شناسی و در نتیجه در سبک‌های زندگی نقش ایفا کرده و جدای از سبک‌های زندگی بخصوص دینی، در شکل‌گیری دیگر سبک‌های زندگی نیز دخیل باشد (مهدوی کنی، ۱۳۹۰: ۲۲۱). اما بیشتر نظریه‌های روان‌شناختی و جامعه‌شناختی از منظر دوم، سبک زندگی را مورد بررسی قرار می‌دهند. در بیشتر این نظریه‌ها سبک زندگی به‌مثابه یک هدف مورد بررسی و مطالعه قرار می‌گیرد. بر اساس آموزه‌های قرآن نیز که مسلمانان نباید از رفتار و سبک زندگی مردم دنیا تقلید کنند، سبک زندگی اسلامی برای آنان هویت‌بخش و هدف است (کافی، ۱۳۹۶: ۱۳۲). آنچه سبک زندگی اسلامی و سایر سبک‌های زندگی را از هم متمایز می‌کند، چارچوب کلی سبک زندگی انسان است که آدمی بر اساس آن، مسیر خویش به‌سوی هدف نهایی و سعادت پایدار را تعقیب می‌نماید؛ از این‌رو، سبک زندگی در دیدگاه اسلام زمینه‌ساز اهداف و راه و روش بشر در زندگی به‌شمار می‌آید (فیضی، ۱۳۹۲: ۳۴). سبک زندگی اسلامی به دلیل جامعیت دین مبین اسلام، مؤلفه‌های اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد؛ بر این اساس، رفتاری که مبنای اسلامی داشته باشد، ضرورتاً از وظایفی که فراتر از خود می‌باشد، غفلت نمی‌کند. مؤلفه اجتماعی به وظایفی اشاره دارد که فرد در ارتباط با دیگران، فراتر از خود و خانواده هسته‌ای خود انجام می‌دهد (کاویانی، ۱۳۹۰: ۳۰). اگرچه سبک زیست مؤمنانه لزوماً به معنای مغایرت و

تفاوت کامل با دیگر الگوهای زندگی رایج در جهان نیست، مهم آن است که الگوهای انتخابی در سبک زیست مؤمنانه باید از آموزه‌های دینی اثر پذیرد و در چارچوب تعیین‌شده دین صورت گیرد (مائده: ۴۹ به نقل از فاضل قانع؛ ۱۳۹۲). سرانجام می‌توان چنین قضاوت نمود که آنچه در عمل به‌عنوان یک فعالیت فردی یا اجتماعی رخ می‌دهد، وقتی سبک زندگی اسلامی خواهد بود که معنا و انگیزه انجام آن مبتنی بر بینشی دینی باشد و بر آن اساس توجیه شود. در کنار این معنابخشی، میزان اهمیت و ارزش آن فعالیت خود می‌تواند نوع گرایش و تداوم آن فعالیت را به‌عنوان یک منش و عادت‌واره نشان دهد.

در بحث از سبک زندگی ایرانی، مهم‌ترین عناصر تعیین‌کننده هویت ایرانی عبارت‌اند از: زبان فارسی (شادمان، ۱۳۸۲؛ مسکوب، ۱۳۷۹؛ سروش، ۱۳۷۵)، مذهب تشیع (عنایت، ۱۳۵۱؛ شریعتی، ۱۳۶۰)، دین اسلام (نصر، ۱۳۷۲؛ کچویان، ۱۳۸۴)، فرهنگ شرقی (شایگان، ۱۳۵۶)، مدرنیته (بروجردی، ۱۳۷۷) و تاریخ ملی. در مورد مبانی نظری هویت نیز در مجموع، از منابع زندگی روزمره (اعتماد به دیگران، رؤیاهای شخصی، برنامه زندگی، فرآیندهای جاری تعامل، آگاهی، زیست-جهان)، مکان (جغرافیا، تعلق به مکان)، نهادها (موقعیت‌های نهادی، دستگاه قدرت، فرآیند اجتماعی شدن، قدرت و سیاست، خویشاوندی)، زیست‌شناسی (جنسیت)، قومیت، نظام فرهنگی و رسانه‌ها نام‌برده شده است. مقایسه این دودسته عوامل نشان می‌دهد بخش زیادی از عوامل مؤثر بر ساختن هویت در هر دو گروه مشترک هستند که از جمله این موارد می‌توان به عنصر زمان یا تاریخ، ملیت، دین (البته با توجه به تفاوت بنیادی در برداشت از دین)، مدرنیته، مکان و عناصر فرهنگی مانند زبان، سنت و عرف اجتماعی اشاره کرد (صدیق سروستانی و قادری، ۱۳۸۸: ۴۱).

در زمینه سبک زندگی مدرن، واژه «مدرن»، از راه زبان فرانسه، به زبان آلمانی و انگلیسی راه یافت و به‌طور احتمالی، نخستین کاربرد واژه «مدرنیته»، توسط «فرانسوارنه دو شاتوبریان» (۱۷۶۸-۱۸۴۸ م) و به معنای «تازگی مسائل اجتماعی‌ای که با آن‌ها

رویارو هستیم»، در سال ۱۸۴۹ انجام گرفت. با پذیرش مفهوم «مدرنیته» به معنای مدرن بودن، واژه «مدرنیت» در زبان فارسی، به‌عنوان معادل آن پیشنهاد شده است (افشار، ۱۳۸۹: ۵۰). با دسته‌بندی تعریف‌های بیان‌شده برای مدرنیته، این نتیجه به دست می‌آید که «مدرنیته»، بر اساس چند متغیر تعریف شده است: ۱- ویژگی‌های درونی و برونی؛ ۲- کارآمدی عملی در سطح زندگی اجتماعی و فردی؛ ۳- لوازم و تبعات انکار ناشدنی؛ ۴- هدفی که مدرنیته در پی آن است (کاویانی، ۱۳۹۶: ۵۳). به‌طورکلی، در تمام این تعاریف و متغیرهایی که بیان شده است، دو مفهوم اصلی برای «مدرنیته» در نظر گرفته می‌شود: الف) مفهوم لغوی که به معنای نو شدن، تازه شدن، تحول یافتن، تغییر یافتن، دگرگون شدن و ... است؛ ب) مفهوم اصطلاحی که در چندین سطح ملاحظه می‌شود: ۱- جریان فکری سکولار غربی با مبانی خاص؛ ۲- نوعی جهان‌بینی در غرب که به جوامع شرقی نیز رسوخ نموده است؛ ۳- دوره‌ای تاریخی در غرب، که با ویژگی‌های پیش از خود، مبارزه می‌کرد؛ ۴- نوعی فرهنگ غربی که، هنوز هم در حال گسترش به جوامع شرقی است؛ ۵- نوعی تمدن غربی که روزه‌روز، در حال گسترش در جوامع شرقی است.

با توجه به ارائه دو مفهوم لغوی و اصطلاحی برای «مدرنیته»، «سبک زندگی مدرنیته» نیز معنا پیدا می‌کند. سبک زندگی مدرنیته عبارت است از: «مجموعه رفتارها و گفتارهای فردی یا گروهی تأثیریافته از رویکرد تازگی در حوزه‌های فردی، خانوادگی، ملی، بین‌المللی، محیط‌زیستی و ... و در ابعاد عبادی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، علمی، سیاسی، حقوقی، بهداشتی، رفاهی و ... که در زندگی انسان نهادینه شده است» (کاویانی، ۱۳۹۶: ۵۴).

در واقع باورها و نگرش‌های انسانی حاکم بر اندیشه افراد و گروه‌های اجتماعی، خاستگاه ارزش‌هایی است که گسترش آن در جامعه می‌تواند به تدریج هنجارها و قواعد رفتاری را تنظیم کند که از سوی بیشتر افراد جامعه به‌عنوان معیار عمل موردپذیرش قرار می‌گیرد. در واقع، این ارزش‌ها و هنجارها می‌تواند سلیقه افراد و ملاک ترجیح

آنان را در کنش‌های فردی و اجتماعی جهت بخشد، بنابراین می‌توان نتیجه گرفت هر یک از پایه‌های فرهنگ ایرانی دربرگیرنده نظامی از ارزش‌هاست که به‌نوبه خود سنخ‌ها و الگوهای از سبک زندگی را نشان می‌دهد. در این پژوهش تعریف سبک زندگی عبارت است: فعالیت‌ها، طرز تلقی‌ها، باورهای نظام‌مندی که از ذوق و سلیقه فرد ناشی می‌شوند و درعین حال به‌صورت نمادین به فرد هویت می‌بخشد و در قالب الگوهای سبک زندگی قالب مطالعه و سنجش می‌باشد.

ازاین‌رو، مطالعه نظام مفهومی سبک زندگی اسلامی، ایرانی و مدرن در جامعه ایران نه به‌عنوان تحلیل آنچه هست؛ بلکه انواع سبک‌های زندگی را آن‌گونه که باید باشد در قالب تیپ ایده آل وبری می‌توان در نظر گرفت. بنابراین برحسب سنخ‌های مختلف سبک زندگی (اسلامی، ایرانی، مدرن و نامتعارف) و نیز در نظر گرفتن مؤلفه‌های فعالیت، علاقه و باور موجب می‌گردد الگوهای سبک زندگی را مورد بررسی قرار داد. بنابراین، مسئله مندی سبک زندگی در جامعه ایران، سهم و میزان الگوی مختلف آن، در ساحت رویکرد «گشتالتی سبک زندگی مردم ایران» صورت‌بندی می‌گردد. این ازآن‌روست که با تکیه بر بنیان‌ها و مبنی بر پذیرش فرهنگ سه‌گانه جامعه ایرانی، و به‌نوبه خود استقلال هویت و فرهنگ در تحلیل سبک زندگی اسلامی، ایرانی و مدرن، آنچه در مقابل هر سه نوع سبک زندگی می‌توان قرار گیرد، سبک زندگی نامتعارف است که به نحوی در تضاد با الگوهای سبک زندگی غالب قابل‌سنجش است.

ازاین‌رو، به تعبیر ماکس وبر، «تیپ ایده آل» خلأهای موجود بین تئوری‌ها (چارچوب مفهومی) و تحقیق تجربی را پر می‌کند؛ چراکه نقطه تلاقی چندین سنخ، الگو و مؤلفه‌هایی از سبک زندگی است. بنابراین لازم است تا جهت درک بهتر واقعیت‌های اجتماعی، از آن به‌عنوان ابزاری که هم زیربنای تئوری و هم مشاهده‌ای دارد، در مطالعات اجتماعی استفاده شود. این وضعیت مطلوب را می‌توان با توجه به دو شاخص کمی سبک زندگی و توزیعی الگوهای سبک زندگی مورد بررسی قرار داد. بر این اساس سؤالات اساسی پژوهش حاضر عبارت است از:

- ۱ - وضعیت توزیعی سنخ‌های سبک زندگی در جامعه ایثارگری چگونه است؟
- ۲ - انواع الگوهای سبک زندگی چگونه در بین خانواده‌های ایثارگران توزیع شده‌اند؟
- ۳ - سنخ‌های سبک زندگی خانواده‌های ایثارگران برحسب ویژگی‌های زمینه‌ای فردی و اجتماعی مختلف چگونه است؟

روش تحقیق

پژوهش حاضر به روش پیمایش انجام گرفته است. جمعیت آماری این پژوهش را «کلیه خانواده‌های ایثارگران سراسر کشور ایران در سال ۱۳۹۸» تشکیل می‌دهند که با برآورد حجم نمونه برابر با ۱۲۳۹ نفر از طریق فرمول کوکران و نیز بهره‌گیری از شیوه نمونه‌گیری چندمرحله‌ای سعی گردید داده‌های لازم از چهار استان تهران، خراسان رضوی، لرستان و خوزستان، جمع‌آوری گردد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود که از طریق «مصاحبه تلفنی» صورت گرفته است. برای بررسی اعتبار سنخ‌های سبک زندگی بعد از مطالعات اکتشافی و نیز بهره‌گیری از گویه‌ها و مؤلفه‌های تحقیقات داخلی و خارجی، ابتدا به روش دلفی از صاحب‌نظران مختلف در سه دوره خواسته‌شده تا درباره آنها قضاوت نمایند (اعتبار صوری)، بعد از جمع‌آوری داده‌ها، در این پژوهش برای سنجش اعتبار سازه هر یک از سنخ‌های سبک زندگی؛ ابتدا به بررسی رابطه همبستگی هر یک از معرف‌ها با شاخص سبک زندگی و الگوهای مختلف پرداخته شد تا معرف‌هایی که از همبستگی پایینی (۰/۳) برخوردارند، حذف شوند (اعتبار سازه).

در مرحله دوم به بررسی رابطه هر یک از معرف‌ها و الگوهای هر یک از سبک‌ها با چهار سنخ دیگر پرداخته شد تا بتوان قدرت تمیز مقیاس را در نظر داشت (اعتبار واگرا). همچنین نتیجه محاسبات برآورد پایایی معرف‌های مفهوم سنخ سبک زندگی

اسلامی ($\text{Alpha}=0/89$)، ایرانی ($\text{Alpha}=0/89$)، مدرن ($\text{Alpha}=0/65$) نامتعارف ($\text{Alpha}=0/87$) حاکی از آن است که مقدار ضریب آلفا در سطح مطلوبی است.

یافته‌های پژوهش

با توجه به حجم نمونه ۱۲۳۹ نفری پژوهش، ۴۳ درصد نمونه را زنان و در مقابل ۵۷ درصد را مردان به خود اختصاص داده‌اند. در بین افراد نمونه ۷۷ درصد متأهل، ۱۲ درصد هرگز ازدواج نکرده، ۹ درصد همسر شهید و ۲ درصد جدا شده‌اند. حدود یک‌سوم، دیپلم (۲۹ درصد) و ۲۹ درصد تحصیلات کارشناسی، ۱۳ درصد تا مقطع کارشناسی ارشد و دکتری تحصیل نموده و در مقابل ۲۹ درصد زیر دیپلم هستند. میانگین کل سن افراد مورد مطالعه، برابر با ۴۵/۶ سال و بیشترین فراوانی سن مربوط ۵۲ ساله‌هاست. بیش از یک‌سوم افراد نمونه (۳۵ درصد) از استان تهران، ۲۵ درصد از استان خراسان رضوی، ۲۳ درصد از خوزستان و نیز ۱۷ درصد از استان لرستان می‌باشد. همچنین حدود یک‌سوم افراد نمونه مورد مطالعه شاغل (۳۴ درصد)، خانه‌دار (۲۸ درصد) و بازنشسته (۲۵ درصد) هستند. در مقابل ۴ درصد بیکار، ۴ درصد دانشجوی و ۲ درصد محصل‌اند. طبق بررسی به عمل آمده، حدود نیمی از نمونه پژوهش (۴۵ درصد) جزء فرزند شاهد محسوب می‌شوند؛ ۳۲ درصد ایثارگر و نیز ۲۲ درصد همسر ایثارگر هستند. حدود ۲ درصد نیز والدین شهید می‌باشند. طبق نتایج حاصل ۴۱ درصد نمونه را خانواده‌های جانباز و خود جانباز به خود اختصاص داده‌اند. ۳۴ درصد فرزند شاهد، همسر و والدین شهید هستند. و نیز ۲۵ درصد آزاده و خانواده‌های آن‌ها می‌باشد.

سنخ‌های سبک زندگی در خانواده‌های ایثارگران

چنانچه در جدول زیر مشاهده می‌گردد در بین چهار سنخ سبک زندگی مورد مطالعه در بین ایثارگران و خانواده‌های آنها، میانگین نمره سبک زندگی اسلامی برحسب

نمرات صفر تا ۱۰۰ برابر با ۶۵، میانگین نمره سبک زندگی ایرانی برابر با ۶۲، سبک زندگی مدرن برابر با ۴۴ و میانگین نمره سبک زندگی نامتعارف برابر با ۲۴ می‌باشد. بنابراین در بین خانواده‌های ایثارگران وضعیت نمره سبک زندگی در برحسب معیارهای اسلامی و ایرانی بیش از سنخ‌های مدرن و نامتعارف گزارش شده است.

جدول ۳- وضعیت میانگین سنخ‌های سبک زندگی در بین ایثارگران

رتبه	میانگین	سنخ‌های سبک زندگی
اول	۶۵	سبک زندگی اسلامی
دوم	۶۲	سبک زندگی ایرانی
سوم	۴۴	سبک زندگی مدرن
چهارم	۲۴	سبک زندگی نامتعارف

آزمون آماری	$s 1466/0=F=0/000$
آزمون شفه	$s=0/000$ همه سبک‌ها با یکدیگر

طبق بررسی صورت گرفته، سبک زندگی اسلامی در بین ایثارگران، بیشترین رابطه همبستگی را با سبک زندگی ایرانی و کمترین همبستگی را با سبک زندگی مدرن دارد؛ همچنین سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی نامتعارف رابطه منفی و قوی دارد. سبک زندگی ایرانی در عین اینکه با سبک زندگی مدرن و نامتعارف همبستگی متوسطی دارد با سبک متعارف رابطه منفی دارد. در واقع می‌توان چنین قضاوت کرد که سبک زندگی اسلامی و ایرانی در نقطه مقابل سبک زندگی نامتعارف قرار دارد. سبک زندگی مدرن نیز با سایر سنخ‌های زندگی رابطه‌ای در حد متوسط و پایین دارد. همچنین این سبک کمترین رابطه آماری با سبک زندگی اسلامی دارد و بعد سنخ نامتعارف است؛ چنین یافته‌ای در عین اینکه می‌توان سنخ‌های مختلف سبک زندگی را به‌طور متمایز از هم تشخیص دهد؛ می‌تواند به‌عنوان اعتبار و اگر عمل کند تا بتوان چنین قضاوت نمود که سنخ‌های سبک زندگی مورد مطالعه، قابل تشخیص و تمیز از همدیگر هستند.

جدول ۴- ماتریس ضریب همبستگی سنخ‌های مختلف سبک زندگی

سبک زندگی نامتعارف	سبک زندگی مدرن	سبک زندگی ایرانی	سبک زندگی اسلامی	سنخ‌های سبک زندگی
$r = -0.73^*$	$r = 0.09^*$	$r = 0.76^*$	۱	سبک زندگی اسلامی
$r = -0.47^*$	$r = 0.30^*$	۱	$r = 0.76^*$	سبک زندگی ایرانی
$r = 0.12^*$	۱	$r = 0.30^*$	$r = 0.09^*$	سبک زندگی مدرن
۱	$r = 0.12^*$	$r = -0.47^*$	$r = -0.73^*$	سبک زندگی نامتعارف

نتایج حاصل از آزمون تحلیل عاملی اکتشافی نشان می‌دهد که چهار سنخ سبک زندگی در قالب دو عامل قابل دسته‌بندی می‌باشد. چنانچه ملاحظه می‌گردد سبک زندگی نامتعارف با بار عاملی منفی جزء عامل اول قرار می‌گیرد؛ به لحاظ تکنیکی، منفی بودن بار عاملی برای سبک زندگی نامتعارف در عین اینکه قرار گرفتن آن در دسته عامل اول را نشان می‌دهد، می‌توان با منفی کردن سؤالات این سنخ از سبک زندگی، تبدیل به دو سنخ سبک اسلامی و ایرانی کردند. در مقابل سبک زندگی مدرن به‌تنهایی یک عامل را شکل می‌دهد. پس با این حساب می‌توان سنخ‌های سبک زندگی در جامعه ایران را به دو نوع سبک زندگی مدرن و غیر مدرن (اسلامی و ایرانی) تقسیم‌بندی کرد.

جدول ۵- نتایج آزمون تحلیل عاملی پیرامون سنخ‌های سبک زندگی

عامل دوم	عامل اول	سنخ‌های سبک زندگی
	۰/۹۲	سبک زندگی اسلامی
	- ۰/۸۸	سبک زندگی نامتعارف
	۰/۷۶	سبک زندگی ایرانی
۰/۹۶		سبک زندگی مدرن

بر این اساس با توجه به میانگین نمره ۶۵ برای سبک زندگی اسلامی و ۲۴ برای سبک زندگی نامتعارف - ترکیب آنها با توجه به طیف صفر تا ۱۰۰ می‌توان چنین استنباط نمود که حدود یک‌چهارم (حدود ۲۴ درصد) پاسخگویان سبک زندگی نامتعارف و یا به تعبیری غیر اسلامی دارند؛ در مقابل حدود دوسوم (۶۵ درصد) اسلامی می‌باشد. البته به نظر می‌رسد با توجه به جمع نمرات این دو سنخ (یعنی برابر با ۸۹) می‌توان حدود ۱۱ نمره باقیمانده را خطای سنجش در نظر گرفت. همچنین با توجه به وجه تکمیلی سنخ زندگی نامتعارف در کنار سبک زندگی ایرانی نیز می‌توان چنین قضاوت نمود که ۲۵ درصد افراد سبک زندگی نامتعارف (غیر ایرانی) و ۶۲ درصد ایرانی دارند که با توجه به جمع نمرات این دو سنخ (یعنی برابر با ۸۷) می‌توان حدود ۱۳ نمره باقیمانده را خطای سنجش در نظر گرفت.

در زمینه سبک زندگی مدرن با توجه به تعبیر و شاخص سازی این پژوهش از آن، شاهد ضریب همبستگی در حد متوسط با سایر سنخ‌های نامتعارف، اسلامی و ایرانی می‌باشیم. از منظری دیگر در این باره می‌توان بیان داشت که این نوع سبک زندگی با تکیه بر مؤلفه‌هایی از قبیل: نظم، زمان‌بندی، عقلانیت، بهره‌مندی از تکنولوژی، اکتسابی بودن، بازاندیشی در خود، مدیریت نفس، بی‌ریشگی زمانی و مکانی و ... الگویی از رفتار، باور و نگرش را در زندگی افراد به نمایش می‌گذارد که با توجه به میانگین نمره ۴۴ وضعیت مناسبی را در بین زندگی عادی خانواده‌های ایثارگر نشان می‌دهد. فهم کلی این تعبیر از سبک زندگی، نشان از بهبود کیفیت زندگی در بین آنهاست.

سنخ سبک زندگی اسلامی

با ترکیب معرف‌ها و ابعاد مختلف سبک زندگی اسلامی، می‌توان چنین قضاوت نمود که بیش از ۷۲ درصد ایثارگران، سبک زندگی‌شان در سطح زیاد و خیلی زیاد اسلامی بوده؛ در مقابل حدود ۲ درصد در سطح خیلی کم و نیز ۲۷ درصد کم گزارش شده است.

جدول ۶- توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت سبک زندگی اسلامی

وضعیت سبک زندگی	تعداد	درصد
خیلی کم	۱۸	۲
کم	۳۲۸	۲۷
زیاد	۴۴۲	۳۶
خیلی زیاد	۴۵۱	۳۶
جمع	۱۲۳۹	۱۰۰

برای سنجش وضعیت سبک زندگی خانواده‌های ایثارگر، از الگوها و مؤلفه‌هایی از قبیل: خرید و مصرف، مدیریت بدن، زندگی خانوادگی، فراغت، کسب‌وکار و زیست‌محیطی استفاده شده است. چنانچه ملاحظه می‌گردد طبق همبستگی آماری صورت گرفته بین الگوها و مؤلفه‌ها با سبک زندگی اسلامی، روابط آماری معناداری بین آنها وجود دارد؛ اگر از ما خواسته شود که با توجه به این مطالعه تجربی سبک زندگی اسلامی با چه مؤلفه‌ها و معرف‌هایی بیشتر شناخته می‌شود. همان‌طور که ضرایب همبستگی حاصل نشان می‌دهد الگوی فراغت دینی در قالب مؤلفه‌ها (مسافرت، رسانه، مناسبت‌ها، مطالعه، موسیقی) و معرف‌های مختلف (تمایل به برگزاری مراسم دعا و زیارت در منزل، مرتب خواندن دعا و قرآن، ترجیح سفرهای زیارتی و بیان ذکرها و دعاها) بیشترین مشخصه سبک زندگی اسلامی محسوب می‌شود. همچنین الگوی زندگی خانوادگی دینی در قالب مؤلفه‌ها و معرف‌هایی از قبیل ازدواج زودهنگام دختران و پسران، نصب تابلوهایی با موضوعات دینی در منزل، رعایت حدود شرعی در ارتباط با افراد غریبه، خواستگاری پسران از دختران، انجام کارهای داخل منزل برای زن و امور بیرون برای مردان و توجه به امور خانه و فرزندان توسط زن مصادیق مهم سبک زندگی اسلامی می‌باشد. و نیز الگوی کسب‌وکار دینی با معرف‌هایی چون؛ تمایل داشتن به پرداخت خمس و زکات، ترجیح کار زنان در محیط‌های زنانه تا مردانه، پرداخت صدقه یا خیرات باز بیشترین مصادیق این سنخ از

سبک زندگی‌اند. در مقابل الگوی مدیریت بدن با مؤلفه‌هایی سلامتی، نمایش، تناسب، تغذیه، پوشش، کنترل کمترین ارتباط با این نوع سبک زندگی دارند.

جدول ۷- توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت سبک زندگی اسلامی

رتبه	همبستگی	میانگین	الگوها
۱	*** ۰/۸۴	۳/۳۸	الگوی فراغت
۲	*** ۰/۸۱	۳/۲۸	الگوی زندگی خانوادگی
۳	*** ۰/۸۰	۳/۳۷	الگوی کسب‌وکار
۴	*** ۰/۷۲	۳/۵۵	الگوی محیط‌زیستی
۵	*** ۰/۷۰	۳/۵۳	الگوی خرید و مصرف
۶	*** ۰/۶۴	۳/۱۰	الگوی مدیریت بدن
-	-	۳/۳۲	کل

نتایج حاصل پیرامون وضعیت سبک زندگی اسلامی پاسخگویان برحسب ویژگی‌های فردی نشان می‌دهد که زنان در خانواده‌های ایثارگر، بیشتر از مردان به رعایت سبک زندگی اسلامی می‌پردازند. برحسب وضعیت تأهل افراد مطلقه در مقایسه با متأهلان به‌طور معناداری کمتر به رعایت سبک زندگی اسلامی می‌پردازند. طبق نتایج حاصل از آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین دو متغیر سن با سبک زندگی اسلامی رابطه معناداری وجود ندارد. البته گروه سنی ۳۶ تا ۴۵ ساله به‌طور معناداری کمتر از گروه سنی ۴۶ تا ۵۵ ساله به رعایت سبک زندگی اسلامی می‌پردازند. برحسب مقاطع تحصیلی، گرچه نمی‌توان بیان داشت که هر چه میزان سواد افراد افزایش می‌یابد رعایت سبک زندگی اسلامی کمتر می‌شود؛ زیرا تفاوت محسوسی بین وضعیت سبک زندگی اسلامی افراد زیر دیپلم با کارشناسی ارشد و دکتری وجود دارد. برحسب وضعیت اشتغال نتایج حکایت از آن دارد که زنان خانه‌دار به‌طور معناداری بیشتر از دانشجویان و شاغلان سبک زندگی‌شان، اسلامی‌تر است.

وضعیت سبک زندگی اسلامی برحسب وضعیت ایثارگری نیز نشان می‌دهد که با توجه به خوشه‌بندی استان‌های مختلف کشور به خیلی کمتر، کمتر، بیشتر و خیلی بیشتر آسیب‌دیده از جنگ، می‌توان چنین استنباط نمود که خانواده‌های ایثارگری که در استان‌های تهران و خراسان رضوی در مقایسه به استان‌های لرستان و خوزستان کمتر به رعایت سبک زندگی اسلامی می‌پردازند. در واقع می‌توان چنین قضاوت نمود هر چه ایثارگران در مناطق آسیب‌دیده از جنگ بیشتر زندگی کنند؛ سبک زندگی آنها اسلامی‌تر است و برعکس. همچنین برحسب نوع ایثارگری تفاوت رعایت سبک زندگی اسلامی بین همسران ایثارگر با فرزندان ایثارگر را به‌خوبی می‌توان مشاهده نمود. بنابراین می‌توان چنین استنباط نمود که خانواده شاهد به‌طور معناداری کمتر از خانواده‌های جانباز به رعایت سبک زندگی اسلامی می‌پردازند؛ در این باره بررسی دقیق نشان می‌دهد که فرزندان جانباز در مقایسه با افراد جانبازان، فرزندان شهید در مقایسه با همسران شهید، فرزندان آزاده در مقایسه با آزادگان به‌طور معناداری کمتر به رعایت سبک زندگی اسلامی می‌پردازند. در واقع مشاهده می‌گردد فرزندان ایثارگر به‌طور معناداری کمتر از والدین و مادران به رعایت سبک زندگی اسلامی می‌پردازند. از طرفی نیز فرزندان جانباز به‌طور معناداری بیشتر از فرزندان شاهد و آزاده مقید به سبک زندگی اسلامی‌اند. که آزادگان جنگ تحمیلی، بیش جانبازان مقید به رعایت سبک زندگی اسلامی‌اند.

سنخ سبک زندگی ایرانی

طبق نتایج حاصل بیش از ۶۸ درصد ایثارگران و خانواده‌های آنها مورد مطالعه آنها، میزان سبک زندگی ایرانی آنها در سطح زیاد و خیلی زیاد است. در مقابل حدود ۲ درصد ایثارگران و خانواده‌های آنها، در سطح خیلی کم و نیز ۳۲ درصد کم گزارش شده است.

جدول ۸- توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت سبک زندگی ایرانی

وضعیت سبک زندگی	تعداد	درصد
خیلی کم	۲۹	۲
کم	۳۶۰	۳۲
زیاد	۴۶۳	۳۷
خیلی زیاد	۳۸۷	۳۱
جمع	۱۲۳۹	۱۰۰

چنانچه ملاحظه می‌گردد طبق همبستگی آماری صورت گرفته بین الگوها و مؤلفه‌ها با سبک زندگی ایرانی، روابط آماری معناداری بین آنها وجود دارد؛ اگر از ما خواسته شود که با توجه به این مطالعه تجربی سبک زندگی ایرانی با چه مؤلفه‌ها و معرف‌هایی بیشتر شناخته می‌شود؛ بررسی‌ها نشان می‌دهد الگوی محیط‌زیستی (توجه به سرزمین و طبیعت) در قالب معرف‌های مختلف (افتخار نمودن به موفقیت‌های علمی کشور، پیگیری بازی‌های جام جهانی و المپیک، رویدادهای ورزشی کشور، علاقه‌مندی به تماشای مستندهایی درباره طبیعت ایران، امیدواری به توسعه و آبادانی کشور و نریختن آشغال در سطح کوچه و خیابان)؛ الگوی فراغت با معرف‌هایی از قبیل (لذت بردن از کارهای هنری ایرانی مانند نقاشی، خوشنویسی و... علاقه‌مندی به برگزاری مهمانی‌های خانوادگی، به ادبیات ایران و آثار تاریخ باستان و موسیقی سنتی و سازهای ایرانی) بیشتری مصادیق عینی آن محسوب می‌شوند. در مقابل الگوی مدیریت بدن با مؤلفه‌هایی سلامتی، نمایش، تناسب، تغذیه، پوشش، کنترل کمترین ارتباط با این نوع سبک زندگی دارد. درباره سبک زندگی اسلامی نیز مؤلفه مدیریت بدن نیز همبستگی پایینی را نشان می‌دهد.

جدول ۹- توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت سبک زندگی ایرانی

الگوها	میانگین	رتبه
الگوی محیط‌زیستی	۳/۴۳	۰/۸۴**

** ۰/۸۳	۳/۳۱	الگوی فراغت
** ۰/۶۰	۳/۲۷	الگوی کسب‌وکار
** ۰/۵۱	۳/۱۵	الگوی زندگی خانوادگی
** ۰/۷۰	۳/۱۰	الگوی خرید و مصرف
** ۰/۴۱	۲/۹۲	الگوی مدیریت بدن
-	۳/۲۷	کل

نتایج حاصل برحسب ویژگی‌های فردی بیانگر آن است که وضعیت سبک زندگی ایرانی در بین زنان و مردان، برحسب گروه‌های سنی، مقاطع تحصیلی مختلف و نیز وضعیت اشتغال چندان متفاوت نمی‌باشد. در مقابل افراد متأهل بیشتر از همسران شهید به رعایت سبک زندگی ایرانی می‌پردازند. در مجموع می‌توان نتیجه گرفت در بین همسران شهید و در نوبت بعد در بین فرزندان شهید در مقایسه با سایر وضعیت‌های ایثارگری به سبک زندگی ایرانی توجه می‌گردد.

یافته‌های وضعیت سبک زندگی ایرانی برحسب وضعیت ایثارگری نشان می‌دهد که با توجه به خوشه‌بندی استان‌های مختلف کشور، می‌توان چنین استنباط نمود که خانواده‌های ایثارگری که در استان خراسان رضوی سکونت داشته باشند؛ در مقایسه به استان‌های تهران، لرستان و خوزستان، سبک زندگی آنها کمتر ایرانی است. همچنین برحسب نوع ایثارگری تفاوت رعایت سبک زندگی ایرانی نشان می‌دهد که فرزندان و همسران جانباز در مقایسه با همسران و فرزندان شهید؛ فرزندان جانباز به‌طور معناداری بیشتر از فرزندان شاهد و آزاده؛ آزادگان جنگ تحمیلی بیش جانبازان؛ همسران جانباز به‌طور معناداری بیشتر از همسران شهید و آزاده مقید به رعایت سبک زندگی ایرانی‌اند. همچنین با توجه به نتایج حاصل می‌توان چنین تحلیل نمود که وضعیت سبک زندگی ایرانی برحسب نوع خانواده‌ها، نوع ایثارگری، نوع فرزند و نوع همسر متفاوت می‌باشد. در نهایت می‌توان چنین قضاوت نمود که در بین افراد مورد مطالعه، «همسر و فرزند

شهید و فرزند آزاده» سبک زندگی در حد کم، «همسر آزاده، افراد جانباز و آزاده» در حد متوسط و «همسر جانباز و فرزند جانباز» در حد زیاد، ایرانی می‌باشد.

سنخ سبک زندگی مدرن

چنانچه در جدول زیر مشاهده می‌گردد می‌توان چنین قضاوت نمود که حدود ۶۱ درصد پاسخگویان سبک زندگی مدرن پایینی دارند و نیز ۷ درصد خیلی پایین گزارش شده است؛ در مقابل فقط یک درصد سبک زندگی آنها در سطح خیلی بالا و نیز ۳۱ درصد در حد بالا می‌باشد.

جدول ۱۰- توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت سبک زندگی مدرن

وضعیت سبک زندگی	تعداد	درصد
خیلی پایین	۹۲	۷
پایین	۷۵۶	۶۱
بالا	۳۸۰	۳۱
خیلی بالا	۱۱	۱
جمع	۱۲۳۹	۱۰۰

چنانچه ملاحظه می‌گردد اگر از ما خواسته شود که با توجه به این مطالعه تجربی سبک زندگی مدرن با چه مؤلفه‌ها و معرف‌هایی بیشتر شناخته می‌شود؛ الگوی خرید و مصرف و مدیریت بدن بیشترین مصادیق سبک زندگی مدرن‌اند. در مقابل الگوی کسب‌وکار و محیط‌زیستی همبستگی پایینی را نشان می‌دهند.

جدول ۱۱- توزیع پاسخگویان برحسب وضعیت سبک زندگی مدرن

رتبه	میانگین	الگوها
** ۰/۳۲	۳/۳۸	الگوی کسب‌وکار
** ۰/۶۳	۲/۳۱	الگوی خرید و مصرف
** ۰/۳۴	۳/۱۴	الگوی محیط‌زیستی
** ۰/۶۲	۳/۰۶	الگوی مدیریت بدن
** ۰/۴۲	۲/۲۲	الگوی فراغت
** ۰/۴۷	۱/۸۲	الگوی زندگی خانوادگی
-	۲/۵۷	کل

طبق یافته‌های حاصل برحسب ویژگی‌های فردی، سبک زندگی مدرن در بین زنان و مردان چندان متفاوت نیست. نتایج حاصل نشان می‌دهد که افراد مجرد بیشتر از همسران شهید؛ گروه سنی ۱۵ تا ۲۵ سال بیش از گروه‌های سنی ۴۶ تا ۵۵ سال و ۵۶ سال و بیشتر؛ افراد زیر دیپلم کمتر از تحصیل‌کرده‌های مقطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری و نیز دیپلمه‌ها کمتر از مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری، زنان خانه‌دار کمتر از شاغلان سبک زندگی آنها مدرن می‌باشد.

با توجه به خوشه‌بندی استان‌های مختلف، می‌توان چنین استنباط نمود که افراد ساکن استان خراسان رضوی در مقایسه با ساکنان استان‌های تهران، لرستان و خوزستان سبک زندگی آنها کمتر مدرن می‌باشد. همچنین برحسب نسبت ایثارگری همسر جانباز سبک زندگی مدرن‌تری در مقایسه با همسران شهید دارند. همچنین وضعیت سبک زندگی مدرن برحسب نوع همسر و نسبت ایثارگری متفاوت می‌باشد. در نهایت می‌توان چنین قضاوت نمود که در بین افراد مورد مطالعه، «همسران شهید» در مقایسه با سایر افراد، وضعیت سبک زندگی کمتر مدرن‌تری دارند.

سنخ سبک زندگی نامتعارف

مطابق نتایج جدول زیر، می‌توان چنین قضاوت نمود که ۹۷ درصد ایثارگران و خانواده‌های‌های مورد مطالعه آنها، وضعیت سبک زندگی نامتعارف آنها در سطح خیلی پایین و پایین است. در مقابل حدود ۳ درصد ایثارگران و خانواده‌های آنها، در سطح خیلی بالا و بالا گزارش شده است.

جدول ۱۲- توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت سبک زندگی نامتعارف

وضعیت سبک زندگی	تعداد	درصد
خیلی پایین	۶۲۷	۵۱
پایین	۵۷۰	۴۶
بالا	۴۱	۳
خیلی بالا	۱	۰/۱
جمع	۱۲۳۹	۱۰۰

با توجه به جدول زیر می‌توان چنین پاسخ داد که الگوی فراغت، کسب‌وکار و الگوی محیط‌زیستی (توجه به سرزمین و طبیعت) بیشترین مصادیق سبک زندگی نامتعارف‌اند. در مقابل الگوی خرید و مصرف همبستگی پایینی را نشان می‌دهد.

جدول ۱۳- توزیع پاسخگویان بر حسب وضعیت سبک زندگی نامتعارف

رتبه	میانگین	الگوها
*** ۰/۸۱	۱/۸۳	الگوی فراغت
*** ۰/۷۸	۱/۷۶	الگوی کسب‌وکار
*** ۰/۷۵	۱/۷۴	الگوی محیط‌زیستی
*** ۰/۷۰	۱/۶۷	الگوی زندگی خانوادگی
*** ۰/۶۷	۱/۶۰	الگوی خرید و مصرف
*** ۰/۷۳	۱/۵۶	الگوی مدیریت بدن
-	۱/۷۲	کل

طبق نتایج حاصل وضعیت سبک زندگی نامتعارف در بین زنان و مردان، برحسب گروه‌های سنی، مقاطع تحصیلی مختلف و نیز وضعیت اشتغال چندان متفاوت نمی‌باشد. نتایج حاصل نشان می‌دهد که افراد مجرد سبک زندگی آنها در مقایسه با متأهلان بیشتر نامتعارف می‌باشد. هر چه سن پاسخگویان کمتر باشد، سبک زندگی آنها بیشتر نامتعارف می‌باشد و برعکس. افراد زیر دیپلم به‌طور معناداری کمتر از تحصیل‌کرده‌های مقطع کارشناسی ارشد و دکتری؛ زنان خانه‌دار در مقایسه با شاغلان و نیز دانشجویان؛ بازنشسته‌ها در مقایسه با دانشجویان سبک زندگی‌شان کمتر نامتعارف می‌باشد.

با توجه به خوشه‌بندی استان‌های مختلف کشور افراد ساکن استان لرستان در مقایسه با ساکنان استان تهران و خراسان رضوی سبک زندگی آنها کمتر نامتعارف می‌باشد. همچنین برحسب نسبت ایثارگری فرزندان ایثارگران به‌طور معناداری سبک زندگی آنها نامتعارف‌تر از همسران و نیز خود ایثارگران می‌باشد. خانواده‌های شاهد بیشتر از خانواده‌های جانباز و آزاده؛ فرزندان جانباز کمتر از فرزندان شاهد و آزاده؛ همسران جانباز کمتر از همسران شهید و آزاده؛ فرزندان جانباز در مقایسه با همسران و افراد جانباز، فرزندان شهید در مقایسه با همسران شهید، فرزندان آزاده در مقایسه با آزادگان و همسرانشان سبک زندگی آنها بیشتر نامتعارف می‌باشد. همچنین وضعیت سبک زندگی نامتعارف برحسب نوع خانواده‌ها، نوع فرزند و نوع همسر متفاوت می‌باشد. در نهایت می‌توان چنین قضاوت نمود که در بین افراد موردمطالعه، «همسران جانباز» سبک زندگی نامتعارف آنها در حد کم، «فرزند جانباز، افراد آزاده، همسر آزاده و شهید همسر» در حد متوسط و «فرزند جانباز و شهید» در حد زیاد می‌باشد.

بحث و نتیجه‌گیری

چنانچه نتایج این مطالعه را با یافته‌های پژوهش‌های دیگر مورد مقایسه قرار دهیم، دستاوردهای جدید و روشنگرانه‌ای پیرامون سنخ‌های سبک زندگی خانواده‌های ایثارگر می‌تواند بدست آورد. نخست؛ با بررسی وضعیت فرهنگ ایثارگری و سبک زندگی خانواده‌های ایثارگر در مقایسه خانواده‌های عادی سراسر کشور می‌توان چنین استنباط نمود که خانواده‌های ایثارگر کشور به لحاظ توجه به سبک زندگی اسلامی و ارزش‌های اسلامی و ایثارگرانه تقید بیشتری در مقایسه با خانواده‌های عادی دارند. طبق پژوهش‌های قبلی «ایمانی و سبزیان» در مطالعه‌شان با عنوان «بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی خانواده‌های شاهد و ایثارگر و خانواده‌های عادی استان لرستان» میانگین نمره سبک زندگی - اسلامی خانواده‌های شاهد و ایثارگر با عادی تفاوت مشهودی را نشان می‌دهد.

همچنین این یافته طبق نتایج پژوهش «غیاثوند» (۱۳۸۶) حاکی از آن است که میانگین روحیه ایثارگری فرزندان ایثارگر برابر با ۱۰۱ و برای افراد عادی برابر با ۹۳ می‌باشد. این اختلاف در روحیه از طریق آزمون t معنادار گردیده است. بر این اساس روحیه ایثارگری فرزندان ایثارگر بیش از فرزندان عادی جامعه است. بنابراین گرایش به فرهنگ ایثارگرانه در بین خانواده‌های شاهد، جانباز و آزاده بیش از خانواده‌های عادی است (غیاثوند، ۱۳۸۶). بنابراین در بیشتر مطالعات مربوط به ارزش‌ها و نگرش‌های اسلامی و ایثارگرانه، خانواده‌های ایثارگر در مقایسه با مردم عادی جامعه وضعیت مطلوبی را نشان می‌دهد که توسط پژوهش‌های مختلف در بازه‌های زمانی متفاوت تأیید گردیده است.

دوم، وضعیت سبک زندگی به‌طور خاص در بین خانواده‌های شاهد، جانباز و آزاده متفاوت از همدیگر می‌باشد. دوم، وضعیت انواع سبک زندگی به‌طور خاص در بین خانواده‌های شاهد، جانباز و آزاده متفاوت از همدیگر می‌باشد. در این باره نتایج حاصل نشان می‌دهد که برحسب سبک زندگی نامتعارف، نوعی تفاوت معنادار و مشخص بین

فرزندان ایثارگر با خانواده‌های آنها وجود دارد؛ به عبارت دیگر، فرزندان شاهد، جانباز و شهید در مقایسه با آزادگان، جانبازان و همسران آزاده، جانباز و شهید سبک زندگی نامتعارف‌تری دارند. بنابراین می‌توان نوعی شکاف و گسست در سبک زندگی نامتعارف بین خانواده‌های ایثارگران کل کشور را مشاهده کرد. پیامد چنین وضعیتی در قالب الگوها و کنش‌های مربوط به خرید و مصرف، فراغت، کسب‌وکار، زندگی خانوادگی و مدیریت بدن در عین اینکه می‌تواند به تعارض‌ها و مشکلات ارتباطی را بین خانواده‌های ایثارگران دامن بزند؛ از سوی دیگر، می‌تواند ناشی از جامعه‌پذیری اجتماعی کمتر موفق خانواده‌های ایثارگران قلمداد نمود. در زمینه سبک زندگی مدرن تفاوت کمتری در بین خانواده‌های ایثارگران مشهود است؛ در خصوص سبک زندگی اسلامی و ایرانی که در مجموع همسویی بیشتری در نتایج با همدیگر را نشان می‌دهند؛ آنچه مسلم است این‌که آزادگان بیش از جانبازان سبک زندگی‌شان اسلامی و ایرانی می‌باشد؛ جالب اینکه فرزندان و همسران جانباز در مقایسه با فرزندان و همسران شاهد و آزاده وضعیت سبک زندگی اسلامی و ایرانی‌شان بیشتر است. در مجموع می‌توان چنین قضاوت نمود که سبک زندگی اسلامی و ایرانی، آزادگان در حد مطلوب، فرزندان و همسران جانباز در حد متوسط و در مقابل سبک زندگی اسلامی ایرانی جانبازان، همسران آزاده، فرزندان شاهد و همسران شاهد در حد پایین می‌باشد.

سوم اینکه در مجموع با عنایت به در هم تنیدگی تاریخ اجتماعی در طول قرون مختلف می‌توان بیان نمود؛ تاریخ فرهنگ جامعه ایران را قبل از اسلام، در قالب سرزمین و فرهنگ ایران، بعد از اسلام در قالب فرهنگ اسلامی و در قرن جدید، در قالب عناصر مدرن مورد توجه قرار داد. بر این اساس می‌توان سه نوع از معانی فرهنگی با نظام‌های ارزشی همسو یا ناهمسو را در جامعه ایران از یکدیگر تشخیص داد.

در واقع در حال حاضر جامعه ایرانی بر پایه سه پایه فرهنگی ایرانی، اسلامی و مدرن شناخته می‌شود. طبق یافته‌های این مطالعه سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی ایرانی رابطه مثبت و محکمی را نشان می‌دهد. بنابراین از دو ظرفیت فرهنگ ایرانی و اسلامی

برای هویت بخشی دینی و ملی جامعه می‌توان کمک گرفت. همچنین سبک زندگی مدرن با معیارهای نظم، زمان‌بندی، عقلانیت، بهره‌مندی از تکنولوژی، اکتسابی بودن، بازاریابی در خود، مدیریت نفس، بی‌ریشگی زمانی و مکانی و ... همه مؤید این امر است که این سه ظرفیت فرهنگی در ارتباط با همدیگر برای افزایش کیفیت زندگی خانواده‌های ایتارگران مفید خواهد بود.

از این رو، آنچه در پیاده‌سازی یافته‌های چنین طرحی مهم است اینکه توسعه و گسترش سبک اسلامی و ایرانی رسالتی است که بایستی مداوم و در تمام برنامه‌های بنیاد شهید و امور ایتارگران سرلوحه امور و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی قرار گیرد و در قالب یک برنامه مدون و زمان مند می‌تواند مدنظر قرار گیرد.

منابع

- اباذری، یوسف و حسن چاوشیان. (۱۳۸۱)، از طبقه اجتماعی تا سبک زندگی (رویکردهای نوین در تحلیل جامعه‌شناختی هویت اجتماعی)، *نامه علوم اجتماعی*، شماره ۲۰: ۲۷-۳.
- استرینانی، دومینگ. (۱۳۸۴)، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های فرهنگ‌عامه*، ترجمه: ثریا پاک‌نظر، تهران: نشر آگه.
- ایمانی، محسن و سبزیان، مهناژ. (۱۳۹۴)، «بررسی مقایسه‌ای سبک زندگی خانواده‌های شاهد و ایثارگر و خانواده‌های عادی». *تربیت اسلامی*، شماره ۲۱: ۷-۲۷.
- الفت، سعیده و سالمی، آزاده. (۱۳۹۱)، *مصرف و سبک زندگی، مجله مطالعات سبک زندگی*، سال اول، شماره ۱.
- باکاک، روبرت. (۱۳۸۱)، *مصرف*، ترجمه: خسرو صبری، تهران: نشر شیرازه، چاپ اول.
- بنت، اندی. (۱۳۸۶)، *فرهنگ و زندگی روزمره*، ترجمه: لیلاجوافشانی و حسن چاوشیان، تهران: نشر اختران.
- بوردیو، پیر. (۱۳۹۱)، *تمایز؛ نقد اجتماعی قضاوت‌های ذوقی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: نشر ثالث، چاپ دوم.
- بوردیو، پی‌یر. (۱۳۸۱)، *نظریه کنش*، ترجمه: مرتضی مردیها، تهران: نشر نقش و نگار.
- تأمین، ملوین. (۱۳۷۳)، *جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری اجتماعی*، ترجمه: نیک گهر، تهران: نشر توتیا.
- چانی، دیوید. (۱۳۷۸)، *سبک زندگی*، ترجمه: حسن چاوشیان، تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- چاوشیان، حسن. (۱۳۸۱)، *سبک زندگی و هویت اجتماعی: مصرف و انتخاب کالاهای ذوقی به‌عنوان شالوده تمایز و تشابه اجتماعی در دوره اخیر مدرنیته، رساله دکتری جامعه‌شناسی*، دانشگاه تهران.
- خاتم، اعظم. (۱۳۷۹)، *سبک زندگی و جایگاه آن در فرهنگ مصرف جامعه شهری*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات فرهنگی، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده علوم اجتماعی.
- رحمت‌آبادی، الهام و دیگران. (۱۳۸۵)، *سبک زندگی و هویت جوانان، فصلنامه نامه علمی - پژوهشی رفاه اجتماعی*، شماره پیاپی ۲۰، سال پنجم آبادی.

- رحمتی، محمدمهدی. (۱۳۸۶)، **هویت اجتماعی و مصرف کالاهای فرهنگی غیرمجاز**، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- شالچی، وحید. (۱۳۸۴)، **بررسی دو سبک زندگی متخالف؛ (اسلام‌گرای انقلابی و پسامدرن)**، تهران، **پایان‌نامه کارشناسی ارشد**، دانشگاه تهران.
- شریفی، احمد حسین. (۱۳۹۱)، «سبک زندگی به‌عنوان شاخصی برای ارزیابی سطح ایمان»، **معرفت فرهنگی اجتماعی**، سال سوم، شماره ۳: ۴۹-۶۲.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۸۶)، **طرح پژوهشی «بررسی میزان آگاهی و نگرش فرزندان ایثارگر نسبت به عملکرد ایثارگرانه پدران خود»**، کارفرما: بنیاد شهید و امور ایثارگران.
- غیاثوند، احمد. (۱۳۸۷)، «تحلیل جامعه‌شناختی دلهره منزلت در بین خانواده‌های شاهد و ایثارگر»، **همایش آسیب‌شناسی ترویج فرهنگ ایثار و شهادت**، دانشگاه مازندران.
- فاضلی، محمد. (۱۳۸۲)، **مصرف و سبک زندگی**، تهران: نشر صبح صادق، چاپ اول.
- فرجی، مهدی و نفیسه حمیدی. (۱۳۸۷)، **سبک زندگی و پوشش، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران**، سال اول، شماره ۱.
- جانعلی‌زاده، حیدر. (۱۳۸۸)، **چالش‌های ترویج فرهنگ ایثار و شهادت در جامعه، مجله مطالعات فرهنگی و ارتباطات**، شماره ۱۴: ۱۱۱-۱۲۶.
- فاضل قانع، حمید. (۱۳۹۲)، **سبک زندگی بر اساس آموزه‌های اسلامی (با رویکرد رسانه‌ای)**، قم: صدا و سیما، جمهوری اسلامی ایران.
- حسینی، محمد حسین و همکاران. (۱۳۹۶)، «مفهوم سازی سبک زندگی فرهنگی»، **مجله جامعه پژوهی فرهنگی**، سال هشتم، شماره ۱ (پیاپی ۲۳).
- قربانی، زین‌العابدین. (۱۳۹۱)، **الگوی سبک زندگی اسلامی و ضرورت‌های جامعه ایرانی**، خبرگزاری جمهوری اسلامی.
- کاویانی، محمد. (۱۳۹۱)، **سبک زندگی اسلامی و ابزار سنجش آن**، قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- کجباف، محمدباقر؛ سجادیان، پریناز؛ کاویانی، محمد و انوفری، حسن. (۱۳۹۰)، «**رابطه سبک زندگی اسلامی با شادکامی در رضایت از زندگی دانشجویان شهر اصفهان**»، **روان‌شناسی و دین**، شماره ۴: ۶۱-۷۴.

- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۲). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر مدرنیته*، ترجمه: ناصر موفقیان، تهران، نشر نی.
- گیدنز، آنتونی. (۱۳۸۰). *مدرنیته و مدرنیسم*، ترجمه: حسینعلی نوزری، تهران: انتشارات نقش جهان.
- مهدوی کنی، محمد سعید. (۱۳۸۷). *مفهوم سبک زندگی، فصلنامه علمی - پژوهشی تحقیقات فرهنگی ایران*، سال اول، شماره ۱.
- هندری، لیوی و دیگران. (۱۳۸۱). *اوقات فراغت و سبک‌های زندگی جوانان*، ترجمه: فرامرز ککولی دزفولی و مرتضی ملانظر، سازمان ملی جوانان، تهران: نسل سوم.
- واکوات، لوئیک. (۱۳۷۹). *پی‌یر بوردیو، ترجمه: مهرداد میردامادی در استونز، راب، متفکران بزرگ جامعه‌شناسی*، تهران، نشر آگه.
- صمیم، رضا. (۱۳۹۳). *نگاهی انتقادی به پیشینه داخلی مطالعات جامعه‌شناختی بر روی سبک زندگی، تحقیقات فرهنگی ایران*، ۷ (۱) (پیاپی ۲۵)، ۱۴۵-۱۶۶.
- ویلن، تورستین. (۱۳۸۳). *نظریه طبقه مرفه*، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.
- وریج کاظمی، عباس. (۱۳۸۷). *مطالعات فرهنگی، مصرف و زندگی روزمره در ایران: سه پارادایم در مطالعه مصرف فرهنگی*، انتشارات جهاد دانشگاهی واحد تهران.
- Andersson, M., & Jansson, A. (1998). The Blurring of Distinctions. *Media Use and the Progressive Cultural Lifestyle*. *Nordicom Review*, 2, 63-77.
- Abel, Thomas, William Cockerham, & Steffen Niemann. (2000): *Acritical Approach to Life Style*
- Bourdieu, P. (1984). *Distinction: A Social Critique of the Judgement of Taste*, London: Routledge.
- Bennett, A. (2008). Towards a Cultural Sociology of Popular Music. *Journal of Sociology*, Vol. 44 (-), Pp. 419-432.
- Bourdieu, Pierre. (1993) A, *The Field of Cultural Production*, Polity Press.
- Bourdieu, Pierre. (1984). *Distinction: A Social Critique if the Judgement of Taste*. Routledge.
- Bourdiu, Pierre. (1996). *The Rules of Art, Translated by Susan Emanuel*, london: Polity Press.
- Calhon, Carig (edi). (1995). *Bourdieu: Critical Perspectives*, Polity Press.
- Chaney, D. (1996). *Lifestyle*, London: Routledge.
- Chinn, D. and McCarthy, C. (2013). All Aspects of Health Literacy Scale (AAHLS): developing a tool to measure functional, communicative and

- critical health literacy in primary healthcare settings. *Patient Education and Counseling*, 90(2): 247–253.
- Cockerham, W.C. (2000). *The Sociology of Health Behavior and Health lifestyles*, London: Prentice Hall College.
 - Cook, c. Heath, F. Thompson, B (2002) Sorce Norms for Improving Library Service Quality: A LibQual+TM study, **Libraries and Academy**, 2, P: 13-26.
 - Darviri, C., Alexopoulos, E.C., Artemiadis, A.K., Tigani, X., Kraniotou, C., Darviri, P. and Chrousos, G.P.Christina Darviri et al (2014). The Healthy Lifestyle and Personal Control Questionnaire (HLPCQ): a novel tool for assessing self-empowerment through a constellation of daily activities: **BMC Public Health**, 14:995.
 - Doulaheart, Y. and Marcks, T. (2005). Health-related lifestyle and mental health. *Nippon-Koshu-Eisei-Zasshi*, 50: 303-313.
 - Fowler, Bridget. (1998). **Pierre Bourdieu & Cultural Theory**, SAGE Publications.
 - Fuchino, Y., Mizoue, T., Tokui, N., Ide, R., Fujino, Y. and Yoshimura, T. (2003). Health-related lifestyle and mental health among inhabitants of a city in Japan, *Nippon-Koshu-Eisei-Zasshi*, 50: 3-13.
 - Featherstone, M. (1991). **Consumer Culture & Postmodernism**. London: Sage Publication.
 - Gabbie, O and O'Neill, M, A. (1996). Servqual and the northern hotel sector: A competitive analysis- part1, **Managing Service Quality**, Vol 6, No 6, P: 25-33.
 - Gronow, G. (1997). **Sociology of Test**. Routledge
 - Hadley, C. and Crystal, L. Patil. (2006). "Food insecurity in rural Tanzania is associated with maternal anxiety and depression." *American Journal of Human Biology*, 18(3): 359–368
 - Hemion, S. (2009). Religiosity, life style and food. *Guanine foundation of agricultural economic*, 3(1): 119-138.
 - Horowitz, A. V. (2002). Outcomes in the sociology of mental health and illness: Where have we been and where are we going? *Journal of Health and Social Behavior*, 43: 143-151.
 - Jennifer, W. (2012). The Impact of Emotional Social Support on Elders' Food Security, *Sociation Today* 10(2).
 - Kim, S., Popkin, B.M., Maria Siega-Riz, A., Haines, P.S. and Arab, L. (2004), A cross-national comparison of lifestyle between China and the United States,

using a comprehensive cross-national measurement tool of the healthfulness of lifestyles: the Lifestyle Index, *Preventive Medicine*, 38: 160– 171.

- Hall, S. and Jefferson, T. (eds). (1976). *Resistance through Rituals*. London: Hutchinson.
- Geertz, C. (1973). *The interpretation of cultures: selected essays*. New York: Basic Books.
- Kivisto, Peter. (1980). Tourain's post- Industrial Society: *Humoldt Journal of Social, Religion*
- Konradsen, H. (2012). Patient participation in relation to life style changes - A literature review. *Open Journal of Nursing*, 2: 27-33.
- Machin, D. and Leeuwen, T.V, (2005), Language style and lifestyle: The Case of a Global Magazine, *Media, culture & Society*, 27 (4): 577 - 600
- Shields, R. (ed.). (1992). *Lifestyle: The Subject of Consumption*. London: Routledge.
- Scheys, M. (1987). The Power of Lifestyle. *Society and Leisure*, 10(2), 249-266.
- Manolis, G. (2001). *Partial Employees and Consumers: A Postmodern, MetaTheoretical Perspective for Services Marketing*, Sage Publications. -
- Mohan, S. (2008). Lifestyle of Asian Indians with coronary heart disease. *Journal of the Royal College of Nursing Australia*, 15: 115-121.
- Norman CD, Skinner HA. (2006). eHEALS: The eHealth literacy scale. *Journal of Medical Internet Research*, 8(4): 1-7.
- Pisinger, T.; Jorgensen, M.; Toft, C. and Aadahl, U. (20016). Five years of lifestyle Intervention improved self reported mental and Physical health in a general Population the Inter 99 study. *Preventive Medicine*.49:424- 428
- Reimer, Bo. (1995). Youth and Modern Lifestyles, in **J. Fornas and G. Bolin (end) Youth Culture in Late Modernity**. Londen: Sage.
- Rihher, R. (2002). **Life Style and Social Structure Processes of in Dividualization in European Countries**. E and FN Spon.
- Roberts, K. & Fagan, C. (1999). **Young People and their Leisure in Former Communist**. Countries: Four theses Examined. *Leisure Studies*, Vol. 18, Pp. 1-17.
- Reimer, Bo. (1995). Youth and Modern Lifestyles, in J. Fornas and G. Bolin (end) *Youth Culture in Late Modernity*. Londen: Sage.
- Rizzuto, D., Orsini, N., Qiu, C., Wang, HX. And Fratiglioni L. (2012). Lifestyle, social factors, and survival after age 75: population based study. *BMJ Journal*. 29; 345:e5568.

- Roszkowski, M. J. Baky, J.S, Jones, D.B. (2005). So which Score on the LibQual+K tells me if library users are satisfied? **Library & Information Science Research**, 24 P: 423-439.
- Simmel, G. (1990). *The philosophy of money*. Edited by David frisby. Translated by tom bottomore and David frisby. London and newyork: routledge.
- Simmel, G. (1997). "**Fashion**". Buryess Loricntally Published in International.
- Sobel, M. (1981). *Lifestyle and Social Structure: Concepts, Definitions, and Analyses*. New York: Academic Press.
- Stoun, J. (2006). Human Behaviour, *Journal of Health and Social Behavior*, 3(16): 17-28.
- Swart, David. (1997). Cultuer & Power: **The Sociology of Pierre Bourdieu**, The University of Chicogo Press.
- Veal, A.J. (2002). "**Leisurekhe, Culture and Lifestyle**". Society and Leisure, Vol. 24, No.2, PP.359-376.
- Veal A. J. (1993). "**Leisure and lifestyle bibliography**", School of Leisure, Sport & Tourism, University of Technology Sydney: sydney.
- Koch-Wesser, E. (1991). "A framework for quantitative study of leisure styles" Society and Leisure, Vol. 14, No. 2, 410-43
- Tokunaga, K. (2003). **Diagnostic Inventory of Health and Life Habit (DIHAL.2) Scale**. Fukuoka: Toyo Physical Corporation.
- Veblen, T. (1953). **the Theory of the Leisure Class:An Economic Study of Institution. Rev. ed.** NewYork: New American Library.